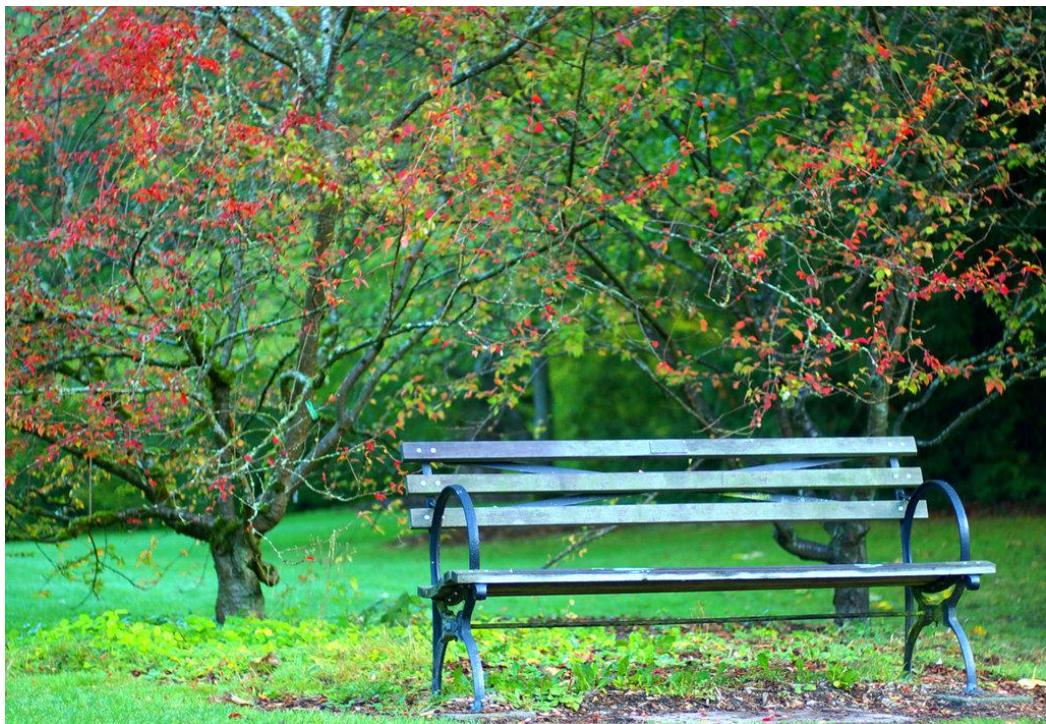


## به نام نامی حضرت حق

آنگاه که دوست داری  
کسی همواره به یادت باشد،  
به یاد من باش  
که همواره به یاد تو هستم.

بقره / ۱۵۲

روی نیمکتی در پارک نشسته بود و سرش را بین دستانش گرفته بود و به این فکر می کرد که آیا می تواند شرکتش را از ورشکستگی نجات دهد یا خیر! بدھی شرکت خیلی زیاد شده بود و راهی برای بیرون آمدن از این وضعیت نداشت . طلبکارها دائمًا پیکیر طلب خود بودند. فروشنده‌گان مواد اولیه هم تقاضای پرداخت بر اساس قراردادهای بسته شده را داشتند.



ناگهان پیرمردی کنار او روی نیمکت نشست و گفت: «به نظر میاد خیلی ناراحتی.»

بعد از شنیدن حرف‌های مدیر، پیرمرد گفت: «من می‌تونم کمکت کنم.»

نام مدیر را پرسید و یک چک برای او نوشت و داد به دستش و گفت: «این پول رو بگیر. یک سال بعد همین

موقع بیا اینجا و اون موقع می‌تونی پولی که بہت قرض دادم رو برگردونی.» بعد هم از آنجا دور شد.

مدیر شرکت در حال ورشکستگی، یک چک ۵۰۰۰۰۰ دلاری در دستش دید که امضاء جان دی . راکفلر

داشت، یکی از ثروتمندترین مردان روی زمین.

با خود فکر کرد: «حالا می‌تونم تمام مشکلات مالی شرکت رو در عرض چند ثانیه برطرف کنم.»

اما تصمیم گرفت فعلًاً چک را نقد نکند و آن را در جای امنی نگه دارد . همین که می‌دانست این چک را

دارد، اشتیاق و توان تازه ای برای نجات شرکت پیدا کرد . توانست از طلبکاران برای پرداخت های

عقب افتاده فرصت بگیرد . چند قرارداد جدید بست و چند سفارش فروش بزرگ دریافت کرد . در عرض

چند ماه توانست تمام بدهی‌ها را تسویه کند و شرکت به سودآوری دوباره رسید.

اگر قدر ثلثه های بدون بزرگش را می‌دانستی  
و از قله های باشکوه موفقیت چیزی شنیده بولی،



هیچ گامی

برای در چله ملذه ، چاه را توصیف نمی کردی

دقیقاً یک سال بعد از اتفاقی که در پارک برایش پیش آمده بود، با چک نقد نشده به پارک رفت و روی همان نیمکت نشست. راکفلر آمد اما قبل از اینکه بخواهد چک را به او بازگرداند و داستان موفقیتش را برای او تعریف کند، پرستاری آمد و راکفلر را گرفت و فریاد زد : «گرفتمش!» بعد به مدیر نگاه کرد و گفت: «امیدوارم شما را اذیت نگردد باشد . این پیرمرد همیشه از آسایشگاه فرار می کند و به مردم می‌گوید که راکفلر است.»

مدیر تازه فهمید این پول نبود که شرایط او را تغییر داد بلکه اعتماد به نفس به وجود آمده در او بود که قدرت لازم برای نجات شرکت را به او داده بود.

واقعاً اگر بتوانیم حتی نیمی از تمامی قابلیت هائی که خداوند متعال در اختیار مان گذاشته را بکار گیریم، آنوقت خواهیم دید مشکلاتی که در ظاهر وحشتناک و غیرقابل حل هستند، چگونه برآحتی از پیش رویمان کنار خواهند رفت.



نیرویی که خدای رحمان در خلقت انسان و در اندیشه او خلق کرده، یکی از بزرگترین نعمت‌هایی است که انسانها بطور بل قوه در اختیار دارند . اما صد افسوس که برخی از ما قادر نیستیم از نیمی از این توانائی‌ها، استفاده‌های لازم را ببریم. با مدد از این نعمات الهی و با قدرت ایمان و توکل به خداوند بخشاپشگر، قادر خواهیم بود مشکلات مقابل خود را از بین ببریم.



هیچگاه در زندگی، از رحمت الهی غافل نشویم.

همواره موفق و بهروز باشید.

اداره فرهنگی و امور فوق برنامه باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان